

سروش در آیین زرده‌شی

دکتر فاطمه جدلی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سروش (اوستا - sraosa ، سنسکریت srusti) از ریشه - شنیدن دستاک ماضی سین دار^(۱) - به معنی شنیداری و فرمانبرداری به ویژه در برابر ایزدان است.

سروش در گاهان (۴۶/۱۴، ۳۳/۱۲، ۴۵/۵، ۴۴/۱۶، ۴۳/۱۲، ۴۵/۴) مانند دیگر مفاهیم، دارای مفهومی انتزاعی و مجرد که همان فرمانبرداری نسبت به ایزدان است و از آنجا که فرمانبرداری مذهبی مستلزم نبود دلایلی با تمام مظاہر شر و بدی بی نظمی است، سروش مفهوم نظام و انضباط رانیز به خود می گیرد. در گاهان نام سروش و اشی، دو ایزد مهم آیین زرده‌شی زیاد آمده است و رابطه ویژه این دو ایزد را با مراسم آیینی زرده‌شی به آشکار می سازد که اولی در معنی فرمانبرداری و دومی در معنی پاداش است. زرده‌شی در یستا ۱۶، سروش را با امشاپنداش مکافه خودش مربوط می داند، «بگذار سروش و بهمن به هر کس که تو (اهورامزدا) او را خواستاری روی آوردند. سروش همه قادر گاهان (جز ۱۴، ۳۳/۱۲، ۴۵/۵)، اسم جمع است و به معنای همه نیروهای نیک است که پیرامون اهورامزدا به هم پیوسته اند. ارتباط بین اهورامزدا، سروش و کلام مقدس در یشت ۱۳/۱۴۶ نشان داده شده است، جایی که می گوید فروشی ها به کمک نیایشگران می آیند، «با حمایت اهورامزدا، سروش توانای همراه اشی و کلام مقدس.» برخی دانشمندان بر این باورند که سروش نخست توسط زرده‌شی ستایش شد.

شباهت شخصیت سروش با موجودات بزرگ گاها نی سبب شد که شخصیت این ایزد عمیقاً در ذهن زردشت اثر بگذارد و بنابراین احتمال دارد که در ابتدا سروش خود الهام بخش زردشت بوده است. علاوه بر این، بنابر شواهدی، آیینی در زمان زردشت وجود داشته است که توانسته است بر اندیشهٔ پیامبر مبنی بر «شناوایی» به عنوان یک وجود اثر بگذارد. شباهت دعای اوستایی seraosa isa astat (یستا ۵۶) و دعای قربانی و دایی astu sraustu (ریگ ودا ۱۳۹/۱) بیانگر این نکته است که دعای مشابه احتمالاً بخشی از آیین هندو ایرانی بوده است. ترکیب sraosa. Uuaroz کنند و sraosa Carana، وسیلهٔ تنبیه گناهکار و خاطری و مشتق آن sraosiiia، در معنی انضباط باعث شد که بنو نیست مفهوم انضباط را برای واژه sraosa بدیهی بداند. او وام واژه srwsyт یشت «تنبیه» را در سندي آرامی از مصر تأییدی بر نظر خود داشت.

در اوستای متاخر سروش ایزدی است که نیایشها را به بهشت منتقل می کند. یسنا ۵۷ با عنوان سروش یشت سر شب سروده ای طولانی در مدح سروش است. ظاهرآً علت این نام گذاری این بوده است که زردشتیان مؤمن پیش از استراحت شبانه آن را تلاوت می کرده اند. به جز مراسم یسنا آن را در گاههای شب نیز می توان زمزمه کرد که گاه دوم آن، اوشهین گاه (شب)، زیر حمایت سروش قرارداد. طول و تفصیل سروش سر شب حاصل دوره های متمادی است. نخستین ایيات آن روشن نیست که سروده کدام دوره است. امکان دارد بخش هایی از آن در اوآخر دوره هخامنشی ساخته شده باشد. هنوز برای تشخیص دوره های گوناگون تألیف آن همچون دیگر متن های اوستای متاخر، ضوابطی پیدا نشده است. همان گونه که خصیصهٔ ادبیات شفاہی است، بخش های کهن تر و جدیدتر آن به صورت تفکیک ناپذیر با یکدیگر جوش خورده اند.

سرود کوچکتری هم در یشت یازدهم خطاب به سروش است که سروش یشتها

دخت نام دارد و از یسنای ۵۱ اقتباس گردیده است. این سرود را در گاههای روز یعنی هاون گاه (=بامداد) و یا ایویسروسریم گاه (=عصر) می‌شود خواند. سروش با مفهوم فرمانبرداری و حافظ و نگاهبان نیایشها اگر ساخته و پرداخته الهام خود زرداشت باشد پس در وصف و مدح سروش متین باستانی تر از گاهان وجود نداشته است. ظاهرآ پذیرش او در غرب ایران به سبب وجود ایزد کهن تر نیایش «مزیوسنگ» با کندی و به تدریج صورت گرفت و ترفع مقام سروش ظاهرآ به سبب ایمان موبدان بوده که طبیعتاً با ایزد نیایش احساس نزدیکی کنند. گمان می‌رود این تحول به تدریج صورت گرفته و ظاهرآ برای پیشبرد آن دو سرود متعلق به سروش تالیف شده است.

از همطرازان و رقبای ایزد سروش می‌توان ایزد مهر را نام برد، به طوری که در مسیر تحول سروش، موبدان ابیاتی از یشت ایزد مهر را اقتباس کردند. این شیوه دشوار نبود، زیرا در پیکار با بدی، به نیایش به چشم سلاح و جنگ افزار نیرومند و مؤثر نگریسته می‌شد. پس به آسانی سروده ایی که در ستایش سروش بود، همانند مهر با واژه‌ها و اصطلاحات جنگ و رزم تنظیم کردند. هم اطلاعات و هم انطباط از ویژگیهای سپاهی گری است و می‌تواند توجیه کننده پیوستگی نزدیک سروش با ایزد جنگجویی مانند مهر باشد. بدین ترتیب در انجمن زرداشتی چهرهٔ مهر کمنگ می‌شود و سروش آشکارتر و برجسته‌تر، با این همه سروش زرداشتی چیزی جز مهر به جامهٔ دیگر درآمده نیست.

از همراهان سروش، ایزد اشی است که در یسنا ۴۳/۱ او را همراهی می‌کند. همراهی اشی با سروش دلالت بر پیومند نزدیک این دو نقشی است که در داوری بر اعمال فرد دارد.

رشن، ایزد داوری ایزدی است که با سروش و مهر بر سر پل چینود برخورد دارند، جایی که روان در گذشتگان آزمایش می‌شوند. سروش و رشن و مهر در تمام دوران تحول زرداشتی وظیفهٔ مجازات گناهکاران را به عهده دارند. در دادگاه داوری، مهر

ریاست دادگاه را بر عهده دارد و سروش و رشن داوران دادگاه هستند. در ایستا ۴۳ شاید زردشت از آن رو به جای مهر ریاست دادگاه از سروش نام می‌برد که وی نگاهبان نیایش است.

در متون گاهی نام سروش با ایزد مزیوسنگ می‌آید که همچون که رفت او نیز ایزد نیایش است و معنای اسم وی ظاهرًاً گفته‌های انسانی است. به نظر می‌رسد با رشد محبوبیت سروش، این ایزد نیایش که جایگاه قدرتمندی در مجموعه ایزدان ایران غربی اشغال کرده بود، تحت الشعاع قرار گرفت. از دیگر یاران سروش، ایزد دهمان آفرین است. در بسیاری از بندهای پهلوی به عنوان یاور ستروش ظاهر می‌شود و با او در امر پاسبانی از جهان هنگام خطرناک شب برای نبرد با اهربیمن و ترویج نیکی سهیم است.

از دشمنان سروش، دیو خشم در صدر است و رویارویی او قرار می‌گیرد. سروش قوی سلاح (اوستا: darsi. Dru)، خشم دارنده سلاح خونین (xruui.dru)، را در پایان عمر دوازده هزار ساله جهان به زمین می‌افکند و به همهٔ تن او زخم‌های خونین می‌زند (یستا ۵۷/۱۰). از دیگر دشمنان سروش، دیو کوند است و دیوی است که بدون ماده سکرآور می‌ست است. در وندیداد ۵۹ - ۱۸/۳۰، صحنه مناظره سروش و دروغ سردوگ دیگر دشمن اوست که سروش جنگ افزار خود را کنار می‌گذارد و با او به گفتگوی دینی می‌نشیند. دروغ با پاسخ به پرسشها رازهای خود را فاش می‌سازد. ایزد و دایی که شباهت بسیاری با سروش دارد، پرهاسبتی «ایزد دعا» است که پاره‌ای از القاب و خصوصیات آن از ایندره به وام گرفته شده است. به رغم شباهتهای فراوان این دو، اطلاعاتی در دست نیست تا بدانیم پرستش هر یک تا چه اندازه باستانی و کهن است.

در ادبیات میانه سروش را یکی از امشاسب‌پندان به حساب می‌آوردند و تعداد آنها را به هفت می‌رسانند. از سروش دوران پارتی اطلاع اندکی در دست است ولی احتمالاً مقام نسبتاً برجسته تری در آن زمان داشته است که برخی از نامهای پارتی

از نا مؤید آن است: Srwsk , srwsdth , srwsssnk , srwsyk . شواهد بیشتری از ستایش او در پارتی و در حقیقت پارتی مانوی است. نام سروش ایزد برای پدر بزرگی بکار می رود و نام سروش اهلای برای خدای کم اهمیت تر «ستون شکوه» که هم خداست و هم راهی که ارواح پس از مرگ به سمت ما می روند. تحولی که بی نهایت به ستایش سروش به عنوان سور این جهان منجر شده نظر می رسد به مرحله پیشرفتی ای در دوران پارتیان رسیده بود. در محافل روانی که آشکارا تحت نفوذ ساسانیان بودند، به نظر می رسد آیین ایزد سروش کمتر محبوبیت داشته است. انتقال این سخن در پهلوی که سالاری این جهان را به سروش نسبت می دهند و به هر حال این حقیقت که سروش در سنت ایران اسلامی باقی بماند، بیانگر این نکته است که آیین او یقیناً در ایران ساسانیان رایج بوده است. نوشه های زرداشتیان در دوران اسلامی نشان می دهد که سروش به ایفای نقش مرکزی خود در زندگی مذهبی جوامع زرداشتی ادامه دارد.

این شخصیت به رغم مفهوم انتزاعی خود، از تصویر پردازی اساطیری نیز به دور نیست، مثلاً سروش جهان را در شب هنگامی که دیوان این سو و آن سو پرسه می زند، پاسداری می کند. خانه هزار ستونی او در بالاترین قله کوه البرز است، از درون خود روشن و از بیرون از ستارگان نور می گیرد. از آنجا چهار اسب سفید زیبا با پاهای زرین تندر و او را در گردونه اش به پیش می راند. او روان را در سه روز نخست پس از مرگ حمایت می کند. نیاشهایی در این سه روز زیر نام او در طول پنج گاه از اوقات شبانه روز به وسیله دو موبد یا بیشتر و خویشاوندان در گذشته هم در خانه و هم در آتشکده اجرا می شود. چون زرداشتیان این باور کهن را پذیرفته بودند که تا سه روز پس از مرگ روان در گذشته در زمین درنگ می کند، پس طبیعی بود که در این مدت به نیايش و انجام مراسم پردازند. این مراسم شامل یسنای متعلق به سروش که در هر هاون گاه آمده است، آفرینگان، دعای نسبتاً کوتاهی متعلق به سروش که در آغاز هرایوی سروشیم گاه خوانده می شود که در

آن بندهایی از سروش پشت می‌آید. مراسم «درون» برای سروش در هر پنج گاه که اجباری نیست. به کلیه مراسmi که در این سه روز انجام می‌شود همادین گفته می‌شود.

از دیگر مراسmi که زیر نام او انجام می‌شود، آبین سروش درون یا تقدیس نان مقدس به افتخار ایزد سروش، یسنا ۳-۸، است. این آبین بدین ترتیب برگزار می‌شود که در آغاز در آمدی به پازند که بدان دیباچه می‌گویند خوانده می‌شود. در دیباچه نام شخص در گذشته یا زنده، که این مراسم به نیت او برپا می‌شود و نیز نام ایزدی که این مراسم برای بزرگداشت او برگزار می‌شود، خوانده می‌شود. سپس دو بخش اول یسنا که در آن نام ایزدان برده می‌شود و آنگاه شش بخش دیگر که در آن نان مقدس تقدیس می‌شود، خوانده می‌شود، پس از خواندن هشت بخش یسنا، به ویژه طی خواندن بخش هشتم، زوت یکی از دو موبد برگزار کننده مراسم، اجازه چاشنی گرفتن از درون را به دست می‌آورد و پنج بار تکه‌های کوچک آن را چاشنی می‌کند و در پایان راسپی، موبد همکار، شرکت کنندگان را به چاشنی گرفتن فرامی‌خواند.

از القاب سروش، *asia* «همراه اشی» به نظر می‌رسد اولین ویژگی این ایزد بوده است و قدیمی ترین آن در اوستای متاخر. صفات *mazista* و *vispa*. از *Mazista* «بزرگتر از همه» از القابی نیستند که در سنت متاخر به کار رفته باشد. از دیگر القاب برجسته سروش، *aora*, *tanum*, *varaoragan* «تن فرمان» است که به معنی کلام مقدس و ایزدی مجسم است. از دیگر صفات او *varaaoragan* «پیروزگر»، *fradat*. *Gaeoa* «اهورایی»، *ahuiria* «در هم شکننده دشمن»، *hamaestar* «جهان افزار»، *taxma* «قوی بازو»، *bazus.aojah* «نیرومند»، *darsi.dru* «به نام خوانده شده»، *aoxt.haman* «سلاح قوی». برخی از القاب منجمله *taxma*, *darsi.dru*, *varaoragan* اشاره به جنبه نظامی شخصیت سروش دارد و به نظر می‌رسد مستقیماً از مهر قرض

گرفته شده باشد. در اغلب متون پهلوی از سروش و کارکرد و خویشکاری او به تفضیل گفتگو شده است، بندesh، مینوی خرد، دنیکرد، روایت پهلوی،... در نوشته های فارسی اورا با جبراپیل سامی یکی دانسته اند. ابو ریحان نیز می نویسد که سروش را جبراپیل می دانند و در شب زنده داری او و خدمتگزارش خروس چنین می گوید: «روز هفدهم ماه که موسوم است به سروش، روز در همه ماهها روز مبارکی است....».

به روایت شاهنامه، تاریخ اساطیری ایران با گیومرت شروع می شود که نخستین کدخدای جهان است و پسری خوبروی و نیرومند به نام سیامک دارد. اهریمن به آنها رشك می برد، سروش خبر این کینه را به گیومرت می رساند. بدین ترتیب به نظر می رسد که تکامل شخصیت و نقش ایزد سروش برخی از مراحل اساسی تحول دین زردهشت را کاملاً به تصویر می کشد. در ابتدا مظهر «شناوی» صفتی که زردهشت را قادر ساخت تا به اهواز مزدا گوش بسپارد و بنابراین دین خود را بیابد. توجه سروش به جنگ بین خیر و شر در روی زمین ممکن است کاملاً به گرایشات رسالت زردهستیگری آغازین اثر گذاشته باشد. احتمالاً بعد از گسترش این باور به ایران غربی بود که سروش با مهر رشن تثلیثی را تشکیلدادند، تحولی که ممکن است به علت دل مشغولی خاص این ایزدان باشد که از درگیریهای اجتماعی نقشهای این ایزدان به وجود آمده باشد و بدین ترتیب بر نیازهای شکل گرفته از زردهستیگری به عنوان دین طبقات حاکم یک امپراتوری اثر بگذارد. گرایش متعاقب آنکه سروش را به طرز فزاینده ای به عنوان ایزدی مرتبط با احکام عملی و پاکی آیینی محسوب کنند، به نظر می رسد بر قدرت روز افزون روحانیت در جامعه ایی که عمیقاً زردهشتی شده بود، اثر گذاشته باشد. در جایی که موقعیت سروش به عنوان سرور این جهان با گرایشی همراه بود که مضامین آیینی را به متنهای درجه مهم تلقی کنند، پس می توان گفت گرچه ممکن است با افول زردهستیگری به عنوان دینی جهانی مرتبط باشد، ولی تحولی را توصیف می کند که نقشی اساسی در حفظ

باورهای کهن در قرنها پس از غلبه اسلام ایفا کرده است.

منابع

- ۱- آموزگار، ژاله. تاریخ اساطیر ایران. تهران: سمت. ۱۳۷۴.
- ۲- بویس، مری. تاریخ کیش زردهشت. ترجمه همایون صنعتی زاده. ۲ ج. تهران. توس. ۱۳۷۴-۵.
- ۳- بهار، مهرداد. پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست. دویم). تهران: آگاه ۱۳۷۵.
- ۴- پورداود، ابراهیم. یشت. ۲ ج. تهران: طهوری. ۱۳۴۷.
- ۵- راشد محصل، محمد تقی. درآمدی بر دستور زبان اوستایی، بررسی یسن نهم. تهران: کاریان. ۱۳۶۴.
- ۶- میرفخرایی، مهشید. (مترجم). روایت پهلوی. تهران. موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ۱۳۶۷.
- ۷- نیبرگ، هزیک. دینهای ایران باستان. ترجمه سیف الدین نجم آبادی. تهران: مرکز ایرانی مطالعات فرهنگها. ۱۳۵۹.
- ۸- هینزل، جان. شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضیلی. تهران: چشمه و بابل: کتابسرای بابل. ۱۳۶۸.
- 9- Bartholomae, Altiranisches Wörterbuch. Berlin: Walter de Gruyter & Co. C. 1961
- 10- Boyce, Dahma Afriti and some related problems, LV. Part 2. PP. 209- 218. M. 1993.
- 11-Kreyenbroek, Sraosa in the zoroastrian tradition. Leiden: E.J. Brill. G. 1985
- 12- Modi, The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees. Bombay' : British India Press. J.J. 1922